

## مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه‌یافتگی بر آن

محمود مشفق\*، محمد شکفته گوهری\*\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۱۷ تاریخ بازنگری: ۹۹/۰۳/۰۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۰۸

### چکیده

شهرستان‌های مرزی کشور مناطقی استراتژیک و حیاتی هستند که تعادل جمعیتی این مناطق نقشی مهم در حفظ امنیت داخلی کشور دارد. متأسفانه بسیاری از شهرستان‌های مرزی توان و پتانسیل حفظ جمعیت خود را ندارند و با روند مهاجرت فرستی فزاینده روبه‌رو هستند. این پژوهش به تحلیل عوامل مؤثر بر شاخص‌های مهاجرت ۱۱۸ شهرستان مرزنشین پرداخته است. قلمرو زمانی پژوهش شامل روند تغییرات مهاجرت بر اساس داده‌های سرشماری در فاصله سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ است. برای آزمون فرضیات تحقیق از الگوی تحلیلی تاپسیس، آزمون‌های معناداری پیرسون و رگرسیون، آزمون‌های موران عمومی، الگوی فضایی بر اساس نقاط داغ و تحلیل کلاستر استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که میان مهاجرپذیری، خالص مهاجرت، ناخالص مهاجرت و توسعه شهرستان‌های مرزنشین رابطه مثبت و معناداری برقرار است. توسعه‌یافتگی قادر به تبیین بیش از ۱۹ درصد تغییرات خالص مهاجرت این شهرستان‌ها است. همچنین آزمون خوشه‌ای ماتریس دووجهی متغیرهای توسعه-یافتگی و خالص مهاجرت نشان داد که عمدتاً شهرستان‌های مرزنشین مهاجرفرست بوده و از نظر توسعه‌یافتگی نیز در خوشه‌های سوم و چهارم (پایین‌ترین سطح توسعه) قرار دارند. میزان خالص مهاجرتی تمایل به متمرکز شدن در فضا دارد. به‌طوری‌که تجمع فضایی لکه‌های سرد (مهاجر فرستی بیشتر) متعلق به برخی شهرستان‌های مرزنشین استان‌های اردبیل، کرمانشاه، ایلام و خراسان جنوبی است.

**واژگان کلیدی:** توسعه‌یافتگی، شهرستان‌های مرزنشین، الگوی فضایی مهاجرت، تحلیل خوشه‌ای.

### طرح مسأله

با به پایان رسیدن انتقال اول جمعیتی در بسیاری از نقاط جهان، مهاجرت جایگزین باروری و مرگومیر به عنوان عامل اصلی تغییرات جمعیتی شده است. مهاجرت کنونی جمعیت محصول نحوه توزیع فضایی جمعیت در داخل و بین کشورها است (United Nations, 2009). متداول ترین شکل مهاجرت در کشورها را باید مهاجرت داخلی از نوع خروج از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق توسعه یافته تر دانست (Porumbescu, 2012: 273).

مطالعات نشان می دهد (Moshfeq & Hoseini, 2016) عدم وجود هماهنگی بین بخش های کلان، میانی و خرد، فقدان اراده سیاسی لازم برای اجرای طرح های آمایش سرزمین و عدم پایش برنامه های آمایش سرزمین و توزیع فضایی جمعیت مهم ترین موانع عدم موفقیت راهبردهای توزیع بهینه جمعیت در ایران بوده است. نمودار ۱ نرخ جابجایی های کل کشور را بر اساس داده های مربوط به سرشماری سال های ۹۵-۱۳۵۵ نشان می دهد. نرخ جابجایی از سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۸۵ روندی افزایشی داشته و از ۱۱,۸ درصد در سرشماری ۶۵-۱۳۵۵ به ۱۷,۲ درصد در سال های ۸۵-۱۳۷۵ رسیده است. پس از آن در سرشماری های ادوار بعد نرخ جابجایی روند کاهشی داشته است به طوری که در سال های ۹۵-۱۳۹۰ به ۵,۹ درصد رسیده است. اگرچه این نرخ روند کاهشی را نشان می دهد اما دلایل متعددی وجود دارد که نشان می دهد که مهاجرت همچنان به عنوان یکی از مسائل مهم و تأثیرگذار کشور مطرح است. عمده ترین دلیل این است که در سرشماری های اخیر طول مدت مورد بررسی از ده سال به پنج سال کاهش یافته است از سوی دیگر این نرخ، از نظر کل، تعداد قابل توجهی را شامل می شود. در سال های منتهی به سرشماری سال ۱۳۹۵ به طور متوسط سالیانه ۹۴۱ هزار و ۴۳۰ نفر محل اقامت قبلی خود را تغییر داده اند.



منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۵۵-۹۵

شکل ۱: نرخ جابجایی‌های کل کشور نسبت به جمعیت کل کشور  
**Figure 1: Movement rate of the whole country in relation to the total population of the country**

عدم تعادل فضایی جمعیت در مناطق مرزنشین می‌تواند پیامدهای امنیتی و دفاعی را به همراه داشته باشد (Pinyol, 2012). از این نظر مهاجرت جمعیت در مناطق مرزنشین به‌عنوان یکی از مسائل مهاجرت داخلی مورد اهمیت و بررسی قرار دارد. بر اساس داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۵ میزان مهاجران خارج‌شده از ۱۱۸ شهرستان مرزی ۴۰,۳ نفر می‌باشد؛ به‌عبارت‌دیگر به ازای هر هزار نفر تقریباً ۴۰ نفر از این شهرستان‌ها خارج‌شده‌اند. جاذبه‌ها و دافعه‌های مرتبط با هر شهرستان مرزنشین منجر به تفاوت در وضعیت مهاجرت آن‌ها شده است. مطالعات (Hataminejad et al., 2012, Meshkini et al., 2019) بیانگر این مسأله است که شهرستان‌های مرزنشین از نظر سطوح توسعه‌یافتگی عمدتاً جز شهرستان‌های محروم کشور بوده و روندهای مهاجرت داخلی در ایران و تحرکات جمعیتی از شهرستان‌های مرزنشین به مناطق داخلی ایران می‌تواند از شاخص‌ها و سطوح توسعه‌یافتگی این شهرستان‌ها منتج شود. بدین منظور بررسی مهاجرت جمعیت این مناطق در ارتباط با شاخص‌های توسعه‌یافتگی اهمیت می‌یابد. در این تحقیق سعی شده است تا تأثیر شاخص‌های توسعه بر میزان‌های مهاجرت شهرستان‌های مرزنشین ایران مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. نیز با استفاده از نرم‌افزار Arc GIS نقشه‌های مربوط به شاخص‌های مهاجرت‌های تهیه و تحلیل‌شده‌اند، درنهایت با استفاده فنون آماری ضریب همبستگی،

رگرسیون و تحلیل خوشه روابط آماری بین شاخص‌های توسعه و شاخص‌های مهاجرت مورد تحلیل قرار گرفته است.

این پژوهش در پاسخ به سؤالات زیر طراحی شده است. شاخص‌های توسعه‌یافتگی چه ارتباطی با شاخص‌های مهاجرت شهرستان‌های مرزنشین داشته‌اند؟ همبستگی فضایی مهاجرت شهرستان‌های ایران چگونه است؟ شهرستان‌های مرزنشین از نظر سطح توسعه-یافتگی و شاخص‌های مهاجرتی در چه دسته‌ای جای می‌گیرند؟

### پیشینه تحقیق

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه توسعه و مهاجرت را می‌توان در چند دسته اصلی تقسیم نمود.

برخی از پژوهش‌ها (Bunea, 2012, Varesi & Sarvari, 2005, Tanha & Goli, 2013) به بررسی نقش توسعه بر روی مهاجرت پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این مطالعات اندازه جمعیت، تولید ناخالص داخلی سرانه، شاخص ملایمت، تراکم جاده و نرخ جرم و جنایت بر مهاجرت تأثیرگذار بوده است. همچنین میان توسعه‌یافتگی و مهاجرت و شهرنشینی همبستگی بالایی وجود دارد. (Tanha & Goli, 2013) در پژوهش خود نشان دادند که ۲۰ درصد از تغییرات مهاجرت داخلی ایران در سال‌های ۷۵، ۸۵ توسط ابعاد مختلف توسعه (اقتصادی، فرهنگی، نیروی انسانی، اشتغال، ارتباطات و مخابرات، بهداشت، درمان و مسکن) تبیین می‌شود.

تعدادی از محققین (Brueckner & Lall, 2015, Shateri et al., 2014, Shafiei, 2011, 2012, Sirkeci et al, 2011, Ghasemi, 2017) علل مهاجرت داخلی را مورد پژوهش و تحقیق قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که عوامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، جمعیت شناختی، طبیعی و کشاورزی، فقدان امنیت مالکیت و کمبود مسکن مناسب، ضعف دسترسی به امکانات و خدمات رابطه معناداری با اقدام به مهاجرت در داخل مرزهای سرزمینی دارد. همچنین نسبت درآمد استان مقصد به مبدأ، نسبت نابرابری استان مقصد به مبدأ، فاصله دو استان، مجاورت دو استان، جمعیت استان مبدأ و مقصد، نسبت شاخص کیفیت زندگی در استان مقصد به مبدأ بر روی تصمیم به مهاجرت افراد تأثیرگذار است.

در کشورمان پژوهش‌های محدودی نیز به مسأله مهاجرت در شهرستان‌های مرزی پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش (Kooshafar & Vasegh, 2013) مهاجرت از شهرستان‌های مرزی به نقاط دیگر امنیت اجتماعی این مناطق را کاهش می‌دهد. روند

مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه یافتگی بر آن ۱۱۳

مهاجرت از شهرستان‌های مرزی منجر به ناامنی و کاهش احساس امنیت در جامعه می‌شود. همچنین پژوهشی (Broki & Einali, 2017) با موضوع عوامل مؤثر بر مهاجرت روستاهای مرزی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که چهار متغیر اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و جغرافیایی-اقلیمی بر مهاجرت مناطق مرزنشین چالدران تأثیرگذار بوده و بیشترین دلیل مهاجرت در روستاهای مرزی را عوامل اقتصادی تشکیل می‌دهد. به طوری که پایاترین متغیرها، دو متغیر بیکاری و عدم رضایت از درآمد حاصل از انجام فعالیت‌ها، بیشترین تأثیر را در امر مهاجرت روستاهای مرزی دهستان چالدران داشته است.

اردشیری در بررسی خود با عنوان علل عمده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی مهاجرت بین‌استانی در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ به این نتیجه رسید که (۱) مهاجرت بین‌استان‌های هم‌جوار بیشتر است. (۲) مهاجرت بین استان‌های ساحلی که دارای ساخت شغلی تقریباً مشابهی هستند بیشتر است. (۳) تمرکزگرایی هر استان موجب افزایش مهاجرت به آن استان می‌شود. (۴) مهاجرت‌ها از استان‌های مرزی و محروم‌تر به استان‌های برخوردارتر صورت گرفته است (Ardeshiri & Zahed, 1996).

نوراللهی در بررسی مهاجرت‌های داخلی کشور در دهه (۱۳۶۵-۱۳۷۵) به این نتیجه رسیده است که ۷,۸ میلیون نفر در کشور اقدام به مهاجرت کرده‌اند؛ که از این تعداد پیش ۱,۶ میلیون نفر وارد شهرها شده‌اند و حدود ۹/۲ بین استان تهران ساکن شده‌اند و استان‌های خوزستان و اصفهان به ترتیب با ۹/۵ و ۱/۸ درصد در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در تحقیق، محقق به این نتیجه رسیده است که مهاجرت در ایران حالت پلکانی دارد، با این توصیف که مهاجرت‌ها به صورت سلسله مراتبی از روستا به شهرهای کوچک و به شهرهای بزرگ‌تر و نیز از مناطق مرزی به سوی مراکز استان‌ها و مرکزی صورت می‌گیرد (Norolahi, 1998).

به طور کلی با بررسی و جستجو در منابع و پایگاه‌های علمی مختلف باید اذعان داشت که پژوهش حاضر از نظر موضوع جدید بوده و تاکنون پژوهشی با این موضوع بر روی تمامی شهرستان‌های مرزنشین کشورمان انجام نشده است. از سوی دیگر این پژوهش با یک رویکرد کلان و به کمک داده‌های بزرگ، شاخص‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، امنیتی، آموزشی و بهداشتی مؤثر بر مهاجرت این شهرستان‌ها را مورد تحلیل قرار داده است.

## مبانی نظری

اگرچه نظریه‌های مهاجرت درصدد تبیین علت‌های وقوع مهاجرت هستند و تمام آن‌ها سرانجام برای توضیح یک موضوع تلاش می‌کنند؛ اما از مفاهیم، فرضیات و منابع متفاوتی بهره می‌برند. بحث مهاجرت و توسعه و نظریات مرتبط با آن به‌طور کلی با تغییراتی همراه بوده است این نظریات با یک نگاه خوش‌بینانه توسعه طلبانه در دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۶۰ آغاز شد و پس‌از آن در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با بدبینی‌های نئومارکسیستی ادامه یافت و سپس با دیدگاه‌های خوش‌بینانه‌تری در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ همراه شد (De Haas, 2010). نظریه‌پردازان توسعه اعتقاد دارند که برخی از مناطق به لحاظ توسعه از سایر مناطق پیشی گرفته و فرصت‌های مختلفی را برای افراد آن مناطق به وجود آورده‌اند. بر این اساس نیروی انسانی انباشته شده در یک منطقه به مناطقی که فرصت‌هایی بیش از ظرفیت افرادش دارد، کشیده می‌شود و تعادل از دست‌رفته را به جامعه بازمی‌گرداند (Lahsaeizadeh, 1989: 179). توسعه‌گرایان مهاجرت را موجب انتقال شمال- جنوب وجوه سرمایه‌گذاری و تسریع در تغییر جوامع کمتر توسعه‌یافته می‌دانند (De Haas, 2010: 3).

نظریه اقتصادی نئوکلاسیک از جمله مهم‌ترین نظریه‌هایی است که مهاجرت را در چارچوب سطح توسعه‌یافتگی تبیین می‌نماید. این تئوری عمدتاً بر تفاوت‌های دستمزد بین مناطق مختلف تأکید دارد. براساس این تئوری، اختلاف دستمزد بین مناطق دلیل اصلی مهاجرت نیروی کار است. این اختلاف دستمزدها ناشی از اختلافات جغرافیایی در تقاضای نیروی کار و عرضه نیروی کار می‌باشد (Porumbescu, 2015). نظریه بازار کار دوگانه<sup>۱</sup> در چارچوب رویکرد اقتصادی نئوکلاسیک نیز بر نیروهایی که در مقیاس بزرگ‌تر عمل می‌کنند، متمرکز است. این نظریه مهاجرت را با الزامات ساختاری اقتصادهای مدرن صنعتی مرتبط می‌داند. مناطقی توسعه‌یافته‌تر که کمبود نیروی کار نسبت به سرمایه‌دارند دستمزد تعادلی بالا، درحالی‌که مناطق محرومی که نیروی کار نسبتاً بالایی دارند، دستمزد تعادلی کم دارند (Jennissen, 2007: 418). مهاجرت در این میان نقش مهمی در به تعادل رساندن این عرضه و تقاضا در مناطق مختلف دارد. نظریه بازار کار دوگانه استدلال می‌کند که مهاجرت عمدتاً به دلیل محرومیت‌ها در مناطق کمتر توسعه‌یافته اتفاق می‌افتد.

---

1. The dual work market theory

مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه یافتگی بر آن ۱۱۵

همچنین نظریه محرومیت نسبی به‌عنوان عامل تعیین‌کننده مهاجرت توسط استارک مطرح شد (Stark, 1991: 25). این نظریه بر این پایه استوار است که مهاجران بالقوه دسترسی به منابع و امکانات را در جامعه خود با سایر جوامع مقایسه می‌کنند که این مقایسه‌ها منجر به مهاجرت برای دسترسی به آرزوها و بهبود موقعیت‌های نسبی افراد می‌شود. محرومیت نسبی عنصر مربوطه در فرآیند تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهند (Abreu, 2012: 54). نرخ مهاجرت در مناطقی که دسترسی به منابع ناعادلانه است بیشتر است (Stark & Bloom, 1985: 175).

همچنین تودارو در کتاب «مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه» عوامل مؤثر مهاجرت را علاوه بر عامل اقتصادی در عوامل اجتماعی (شامل میل مهاجرین به دور شدن از فشارهای اجتماعی و ساختارهای سنتی روستایی، عوامل فیزیکی (فاجعه‌های اجتماعی و جوی نظیر سیل، خشک‌سالی و قحطی)، عوامل جمعیتی (شامل کاهش نرخ مرگ‌ومیر و نرخ‌های بالای رشد جمعیت)، عوامل فرهنگی (روابط گسترده‌ی در جامعه مقصد)، عوامل ارتباطی (بهبود حمل‌ونقل سیستم‌های آموزشی شهری و آثار نوگرایانه رادیو، تلویزیون و سینما) جستجو می‌کند (Panahi & Pishroo, 2012: 43).

از دیدگاه نظریه مرکز-پیرامون فریدمن هر نظام جغرافیایی - جمعیتی شامل دو زیر نظام فضایی است. یکی مرکز که قلب پیشتاز و پویای نظام است و دیگری پیرامون که می‌توان آن را بقیه نظام به حساب آورد و در حالت وابستگی و یا سلطه‌پذیری نسبت به مرکز قرار دارد. رابطه مرکز-پیرامون را اصولاً می‌توان رابطه‌ی استعماری دانست و به علت انتقال عوامل اصلی تولید از پیرامون به مرکز یک ساختار قطبی‌شده منطقه‌ای نابرابر در طول زمان شکل می‌گیرد (Papoliyazdi & Rajabi, 2007: 204). که نتیجه آن فرار سرمایه‌های مادی و انسانی از پیرامون به مرکز است.

بر اساس نظریه فریدمن کشورهای در حال توسعه از نظر مکانی به چهار بخش اساسی تقسیم می‌شوند، که هر کدام از این بخش‌ها از نظر مهاجرتی دارای ویژگی‌های خاصی است:

۱. **مناطق هسته‌ای:** شامل نقاط متمرکز شهری با سطوح بالای فناوری، نیروی کار متخصص، میزان رشد اقتصادی بالا. این مناطق از نظر عملکرد مهاجرتی عموماً دارای موازنه مثبت مهاجرتی هستند.

۲. **مناطق انتقالی رو به بالا:** مناطقی که به صورت رو به افزایش تحت تأثیر مناطق هسته‌ای هستند، مهاجرپذیری و استفاده فشرده از منابع و رشد اقتصادی پیوسته از ویژگی‌های این مناطق است.

۳. **مناطق پیشگام در منابع:** بخشی از مناطق پیرامونی که در آن‌ها آبادی‌های جدید و بهره‌برداری از منابع تازه کشف‌شده وجود دارد.

۴. **مناطق انتقالی رو به پایین:** به دلیل تهی شده منابع اولیه یا ترک مجموعه‌های صنعتی، اقتصادی راكد یا رو به پایین دارند، این مناطق عموماً موازنه مهاجرت منفی دارند (Papoliyazdi & Rajabi, 2007).

مسی و همکاران استدلال می‌کنند که با توجه به این واقعیت که تئوری‌های مربوط به مهاجرت، فرآیندهای علی را در سطوح مختلف و متفاوتی از تحلیل فردی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی تبیین می‌کنند لزوماً مخالف یکدیگر نیستند و هم‌پوشانی دارند (Massey et al., 1998: 433). این پژوهش نیز در جهت ساختن متغیرهای تحقیق به مبانی نظری مختلف توجه داشته و رویکردی جامع به مسأله تحقیق داشته است. در نتیجه در تحلیل و بررسی فرضیات تحقیق ابعاد متعددی نظیر اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، امنیتی، آموزشی و بهداشتی را در ارتباط با ساختن متغیر توسعه‌یافتگی (متغیر مستقل) مورد نظر داشته‌ایم.

### روش تحقیق

تبیین‌های اثباتی واقعیت‌های مختلف را در سطوح متفاوت سنجش مقوله‌بندی می‌کنند و برای بررسی ارتباط بین این سطوح، رویه‌های آماری خاصی پیشنهاد می‌دهند (Mohammadpour, 2010: 32-47). این تحقیق در چارچوب رویکرد اثبات‌گرایانه و بر اساس روش تحقیق کمی انجام شد. اولاً از آنجاکه سنجش مفاهیم و اندازه‌گیری آن‌ها مد نظر است روش تحقیق کمی اولویت دارد. در ثانی در روش‌های جمعیت‌شناختی بهره‌گیری از روش کمی در اولویت است. همچنین از آنجایی که از داده‌های ثانویه مهاجرت شهرستان‌های ایران استفاده خواهیم نمود روش تحقیق کمی قابل توجیه می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش تمامی شهرستان‌های مرزنشین کشور در سال ۱۳۹۵ می‌باشد، که در این سال تعداد آن‌ها ۱۱۸ شهرستان بوده است. روش‌های جمع‌آوری داده‌ها به دو صورت انجام پذیرفت:



مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه‌یافتگی بر آن ۱۱۷  
الف) جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متون و محتوای مطالب  
مرتبط با عنوان تحقیق.

ب) از سالنامه‌های آماری، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، بانک‌های اطلاعاتی  
استانداری‌ها، گزارش کشوری سنجش سرمایه‌ی اجتماعی کشور استفاده شده است.

### شیوه تجزیه و تحلیل

در ابتدا با استفاده از الگوی تحلیلی Topsis شاخص توسعه‌یافتگی برای شهرستانی مرزی  
کشور ایجاد شد و برحسب سطح توسعه‌یافتگی رتبه‌ای بین ۰ و ۱ پذیرفتند. مدل تحلیلی  
تاپسیس یکی از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است. در این مدل با توجه به فاصله هر  
مورد (فاصله هر شهرستان) از حالت‌های ایده آل مثبت و ایده آل منفی هر مؤلفه یک  
نمره‌ای در بازه بین صفر تا یک قرار می‌گیرد و بر اساس نمره نهایی کسب شده موارد  
رتبه‌بندی می‌شوند (Akbari & Zahedi, 2009). از این طریق شهرستان‌های مرزنشین از  
نظر سطح توسعه‌یافتگی دسته‌بندی شدند.

برای محاسبه شاخص‌های مهاجرت داخلی (متغیر وابسته این پژوهش) پس از تهیه  
داده‌های خام ماتریس‌های مهاجرت بین شهرستانی از مرکز آمار ایران، با استفاده از نرم‌افزار  
Matlab ماتریس‌های نهایی تهیه‌شده و شاخص‌های مهاجرت داخلی (میزان مهاجرپذیری،  
میزان مهاجر فرستی، میزان خالص مهاجرت، میزان ناخالص مهاجرت) محاسبه گردید.

تحلیل خودهمبستگی فضایی موران را می‌توانیم برای توصیف ویژگی‌های فضایی  
متغیر مهاجرت در کل یک ناحیه به کار ببریم و با استفاده از آن میانگین تفاوت فضایی  
مهاجرت را بین تمامی عوارض (پیکسل‌ها) فضایی و عوارض (پیکسل‌های) مجاور آن‌ها  
شناسایی کنیم. از آنجایی‌که مسأله هم‌جواری (همسایگی) در تحلیل خودهمبستگی فضایی  
اهمیت دارد، شاخص‌های مهاجرت را علاوه بر شهرستان‌های مرزنشین برای تمامی ۴۲۹  
شهرستان کشور محاسبه نمودیم تا بتوانیم وضعیت مهاجرت شهرستان‌های مرزی را در  
مقایسه با شهرستان‌های مرکزی ایران با استفاده از نرم‌افزارهای Arc GIS مقایسه و تحلیل  
نماییم.

همچنین داده‌ها را در دو سطح تجزیه و تحلیل دو متغیره و چند متغیره مورد بررسی  
قرار دادیم. برای بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته و همین‌طور  
رابطه هر یک از ابعاد متغیر وابسته با یکدیگر از آزمون پیرسون استفاده شد. همچنین برای

اثبات معنی دار بودن یا معنی دار نبودن روابط میان آن‌ها و تعیین میزان وابستگی متغیرها به یکدیگر، از روش رگرسیون دومتغیره استفاده نمودیم.

در نهایت به منظور دسته‌بندی شهرستان‌های مرزنشین از نظر شاخص‌های مهاجرت و میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها را به واحدهای مشابه به نام خوشه یا کلاستر بر روی ماتریس چهاروجهی (دومتغیره) دسته‌بندی نمودیم. هدف از خوشه‌بندی داده‌ها در این تحقیق این بود که مشاهدات را در بخش مهاجرت و سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مرزنشین به گروه‌های متجانس تقسیم کنیم، به طوری که مشاهدات هر گروه بیشترین شباهت و مشاهدات گروه‌های مختلف کمترین شباهت را با هم داشته باشند.

**متغیر وابسته تحقیق:** متغیر وابسته تحقیق حاضر شاخص‌های مهاجرت داخلی می‌باشد که شامل میزان مهاجرت فرستی، مهاجرت پذیر، خالص مهاجرتی و ناخالص مهاجرت است.

میزان مهاجرت پذیر: تعداد کل مهاجران وارد شده به یک منطقه در یک بازه زمانی مشخص با کل جمعیت مرتبط با آن مقایسه می‌شود. تعداد مهاجران وارد شده به یک منطقه به ازاء هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت است.

$$\text{میزان مهاجرت پذیر} \times 1000 = \frac{\text{مهاجران وارد شده}}{\text{جمعیت کل}}$$

میزان مهاجرت فرستی: تعداد کل مهاجران خارج شده به یک منطقه در یک بازه زمانی مشخص با کل جمعیت مرتبط با آن منطقه مقایسه می‌شود (Kazempour, 2004: 96).

$$\text{میزان مهاجرت فرستی} \times 1000 = \frac{\text{مهاجران خارج شده}}{\text{جمعیت کل}}$$

خالص مهاجرت: میزان خالص مهاجرت بر اساس تفاوت آن‌هایی که در یک دوره زمانی خاص به جمعیت می‌پیوندند و آن‌هایی که جمعیت را ترک می‌کنند محاسبه می‌شود. خالص مهاجرت جمعیت یک جامعه را می‌توان از خارج قسمت تفاضل نرخ‌های درون کوچی<sup>۱</sup> و برون کوچی<sup>۲</sup> بر جمعیت میانه سال در هر صد یا هزار نفر جمعیت بدست آورد.

1. immigration  
2. emigration

مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه‌یافتگی بر آن ۱۱۹

اگر این دو رقم با هم برابر باشند خالص مهاجرت برابر با صفر است. اگر تعداد مهاجران وارد شده بیش از مهاجران خارج شده باشند این مقدار مثبت و اگر تعداد مهاجران خارج شده بیش از مهاجران وارد شده باشند این مقدار منفی می‌باشد (Taghavi, 2008: 128).

$$\text{خالص مهاجرت} \times 1000 = \frac{\text{مهاجرت خارج شده} - \text{مهاجرت وارد شده}}{\text{دوره میان جمعیت}}$$

ناخالص مهاجرت<sup>۱</sup> (میزان کل مهاجرت): این شاخص از تعداد کل مهاجران وارد شده و خارج شده از یک منطقه در یک دوره زمانی به تعداد کل جمعیت آن منطقه در میانه‌ی دوره زمانی مذکور را شامل می‌شود (قاسمی اردهائی و حسینی راد، ۱۳۸۷: ۵).

$$\text{ناخالص مهاجرت} \times 1000 = \frac{\text{مهاجران خارج شده} + \text{مهاجران وارد شده}}{\text{جمعیت میان دوره}}$$

**متغیرهای مستقل تحقیق:** برای اندازه‌گیری سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مرزنشین کشور از ۵۰ مؤلفه یا شاخص در شش بعد آموزشی، اقتصادی، بهداشتی-درمانی، زیربنایی-کالبدی، اجتماعی-فرهنگی و امنیتی استفاده شده است. متغیرهای ذکر شده برای سنجش میزان توسعه‌یافتگی، در جدول زیر ارائه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: مؤلفه‌ها و معرفه‌های انتخاب شده برای بررسی توزیع فضایی توسعه پایدار در شهرستان‌های مرزنشین

Table 1: Components selected to study the spatial distribution of sustainable development in border cities

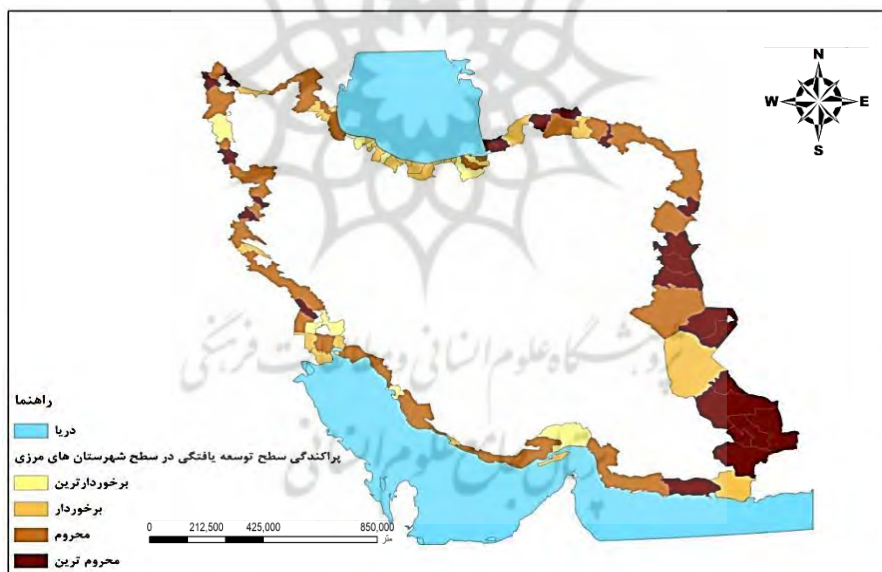
معرف انتخاب شده برای بررسی توزیع فضایی توسعه پایدار در شهرستان‌های مرزنشین		مؤلفه‌های توزیع فضایی توسعه
نرخ دیپلم و پیش‌دانشگاهی زنان	نرخ باسوادی کل جمعیت	بخش آموزشی
نرخ دیپلم و پیش‌دانشگاهی مردان	نرخ باسوادی زنان	
نرخ تحصیلات عالی زنان	نرخ باسوادی مردان	
نرخ تحصیلات عالی مردان	نسبت جنسی باسوادی	
نسبت دانش‌آموز به معلم	نسبت جنسی تحصیلات عالی	
-	نسبت تراکم دانش‌آموز به کلاس	
نسبت جنسی جمعیت فعال	میزان فعالیت و نرخ مشارکت اقتصادی مردان	بخش اقتصادی
نسبت جنسی بیکاران	میزان فعالیت و نرخ مشارکت اقتصادی زنان	
نسبت جنسی جمعیت شاغل	میزان اشتغال مردان	
-	میزان اشتغال زنان	
تخت ثابت	بیمارستان فعال	بخش بهداشتی درمانی
پزشکان شاغل	خانه‌های بهداشت فعال	
کارکنان شاغل	نرخ باروری نوجوانان	
درصد واحدهای مسکونی معمولی غیر آپارتمانی دارای ۱ خانوار ساکن با مساحت زیر بنای ۵۰ متر مربع و کمتر	نسبت خانوار در واحد مسکونی	بخش کالبدی و زیربنایی
درصد جمعیت حاشیه‌نشین	درصد دسترسی خانوارهای به حمام	
درصد دسترسی خانوارها به آب‌لوله‌کشی	درصد دسترسی خانوارها به برق	
درصد واحدهای مسکونی معمولی - نوع بنا: خشت و چوب	درصد واحدهای مسکونی معمولی - نوع بنا: آجر و آهن یا سنگ و آهن	
اعتماد تعمیم‌یافته	مطلوبیت اجتماعی	بخش اجتماعی و فرهنگی
ارزش‌های اخلاقی	موفقیت مسئولین	
مشارکت اجتماعی	احساس عدالت	
بده بستان اجتماعی	ارزیابی از آینده امیدوار	
رضایت از زندگی	سرمایه اجتماعی	
نشاط اجتماعی	تعامل با آشنایان و خانواده	بخش امنیتی
فرار دختران	قتل عمد	
خودکشی	جرایم جنسی	
احساس امنیت	سرقت	

### یافته‌های تحقیق

#### وضعیت سطح توسعه یافتگی در شهرستان‌های مرزی

در این پژوهش با استفاده از الگوی تحلیلی تاپسیس شهرستان‌های مرزنشین بر حسب سطح توسعه یافتگی رتبه‌بندی شده‌اند. در نقشه شماره یک سطح توسعه یافتگی در شهرستان‌های مرزی به تصویر کشیده شده است. شهرستان‌هایی که عمدتاً جز مراکز استان می‌باشند در این الگو در رتبه برخوردارترین شهرستان‌ها از نظر توسعه یافتگی قرار دارند. مهم‌ترین این شهرستان‌ها عبارت‌اند از: اهواز، رامسر، ساری، بندرانزلی، لاهیجان، ارومیه، بوشهر، رشت و بندرعباس.

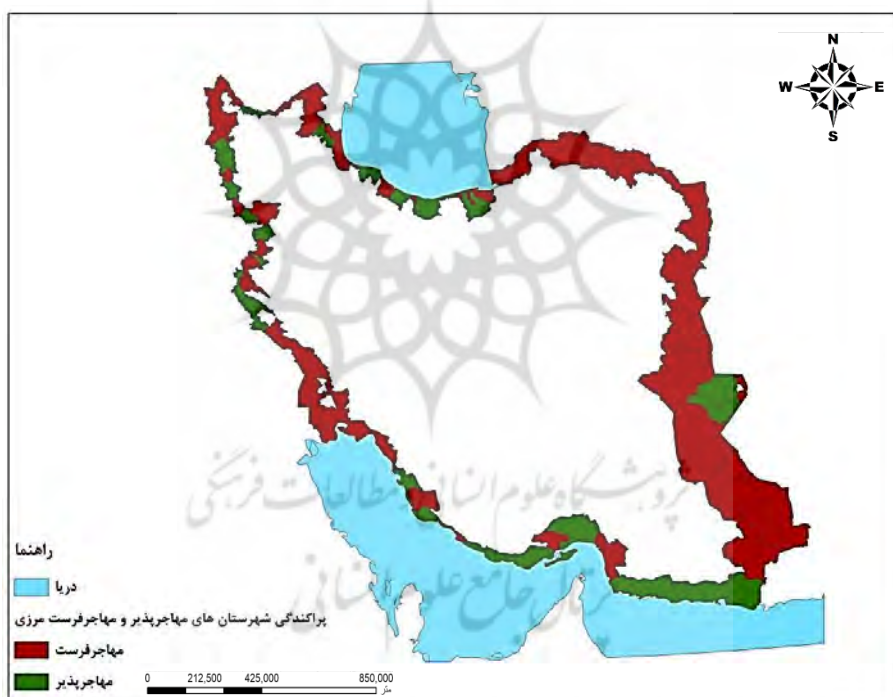
شهرستان‌های مرزنشین که عمدتاً در شرق ایران استقرار دارند از نظر سطح توسعه یافتگی از محروم‌ترین شهرستان‌های مرزنشین ایران محسوب می‌شوند. میرجاوه، سرباز، مهرستان، هیرمند، قصرقند، سیب و سوران، ثلاث باباجانی و رازوجرگلان از جمله مهم‌ترین شهرستان‌های محروم مرزنشین می‌باشند.



شکل ۲: پراکندگی سطح توسعه یافتگی در سطح شهرستان‌های مرزی، ۹۵-۱۳۹۰  
Figure 2: Distribution of the level of development in the border cities, 2011-2016

### مقایسه میزان خالص مهاجرتی در بین شهرستان‌های مرزنشین کشور

وضعیت شهرستان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست مرزی کشور در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که عمده شهرستان‌های مرزنشین ایران مهاجرفرست می‌باشند (شکل شماره ۳). تقریباً تمامی شهرستان‌های مرزنشین شرقی و شمال شرقی ایران مهاجر فرست هستند. در این میان عمدتاً شهرستان‌های نوارهای ساحلی دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان به دلیل جاذبه‌های طبیعی و توسعه تجهیزات نفتی و پتروشیمی جز شهرستان‌های مرزنشین مهاجرپذیر می‌باشند. برخی از شهرستان‌های مرزنشین غربی کشور مانند جوانرود، مهران، میوان، بانه و قصرشیرین به دلیل وجود بازارچه‌های مرزی و گذرگاه بودن مرزی با کشور عراق و امر گردشگری مذهبی جذابیت‌هایی را برای مهاجرت به این شهرستان‌ها ایجاد کرده است.

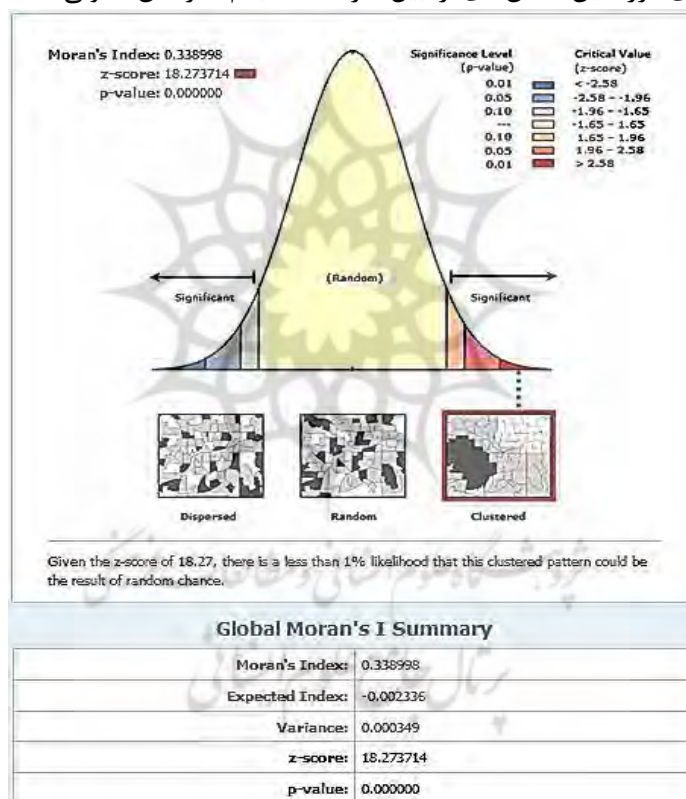


شکل ۳: پراکندگی شهرستان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست مرزی، ۹۵-۱۳۹۰

Figure 3: Distribution of migrant-sender and migrant-receiver border cities, 2011-2016

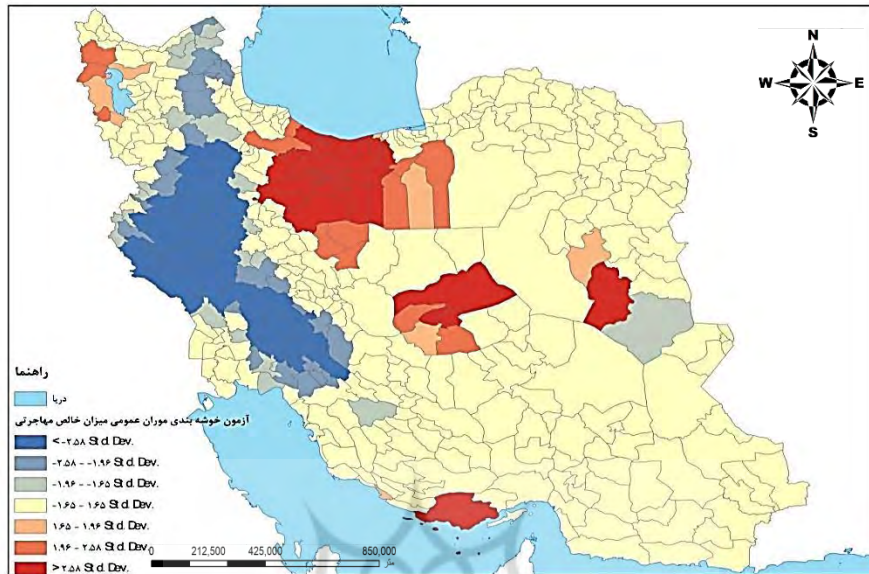
مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه یافتگی بر آن ۱۲۳

همان‌طور که از نتایج حاصل از آزمون خودهمبستگی سراسری پیداست (شکل ۱) شاخص موران ۰,۳۳ و میزان معناداری آن ۰,۰۰۰۱ و میزان Z آن برابر با ۱۸,۲۷ است. یافته‌ها نشان از آن دارد که با سطح اطمینان ۹۹ درصد میزان خالص مهاجرت شهرستان‌های ایران دارای ساختار فضایی بوده و به شکل خوشه‌ای توزیع شده‌اند. به این معنا که میزان خالص مهاجرت تمایل به متمرکز شدن یا خوشه شدن در فضا دارد به طوری که تجمع فضایی لکه‌های داغ (مهاجرپذیری بیشتر) متعلق به شهرستان‌های استان‌های مرکزی نظیر تهران، قزوین برخی از شهرستان‌های مازندران، البرز، سمنان، زنجان و مرکزی و اصفهان و بوشهر است و از طرف دیگر تجمع فضایی لکه‌های سرد (مهاجر فرستی بیشتر) متعلق به برخی شهرستان‌های مرزنشین استان‌های اردبیل، کرمانشاه، ایلام، خراسان جنوبی است (شکل ۴).



شکل ۴: خود همبستگی سراسری الگوی میزان خالص مهاجرتی در سطح شهرستان‌های کشور، ۹۵-۱۳۹۰

Figure 4: Global Moran's index of net immigration rate in Iran's cities, 2011-2016



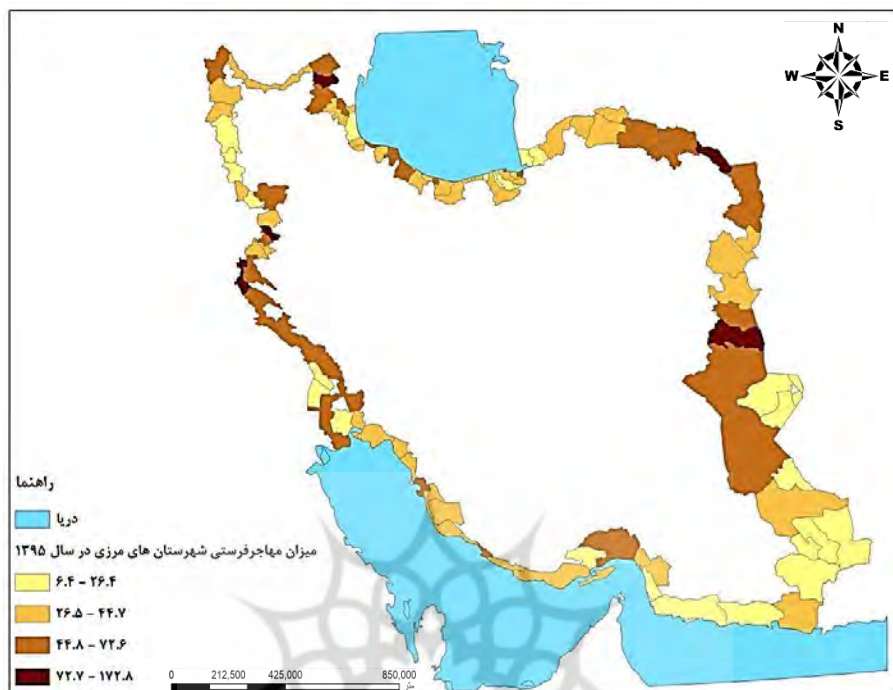
شکل ۵: الگوی فضائی میزان خالص مهاجرتی شهرستان‌های کشور بر اساس متد نقطه‌های داغ (Hot Spot. 95-1390)

Figure 5: Spatial model of the net migration rate of the Iran's cities based on the hotspot method, 2011-2016

#### مقایسه میزان مهاجرفرستی در بین شهرستان‌های مرزی

همان‌طور که در شکل ۴ مشاهده می‌شود شهرستان‌های سریشه، زابل، قصرشیرین، کلات، گرمی، سروآباد و قوچان بیشترین میزان مهاجر فرستی را در میان شهرستان‌های کشور تجربه کرده‌اند. کمترین میزان مهاجرفرستی نیز در شهرستان‌های جنوب شرقی ایران رخ داده است. هامون، نیمروز، هیرمند، سرباز، مهرستان، سیب و سوران و قصرقند از جمله مهم‌ترین شهرستان‌ها با کمترین میزان مهاجر فرستی هستند. این شهرستان‌ها همگی جزء استان سیستان و بلوچستان هستند. بدین ترتیب بیشترین میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های مرزنشین را باید مربوط به استان‌های خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی، کرمانشاه، ایلام و اردبیل دانست.

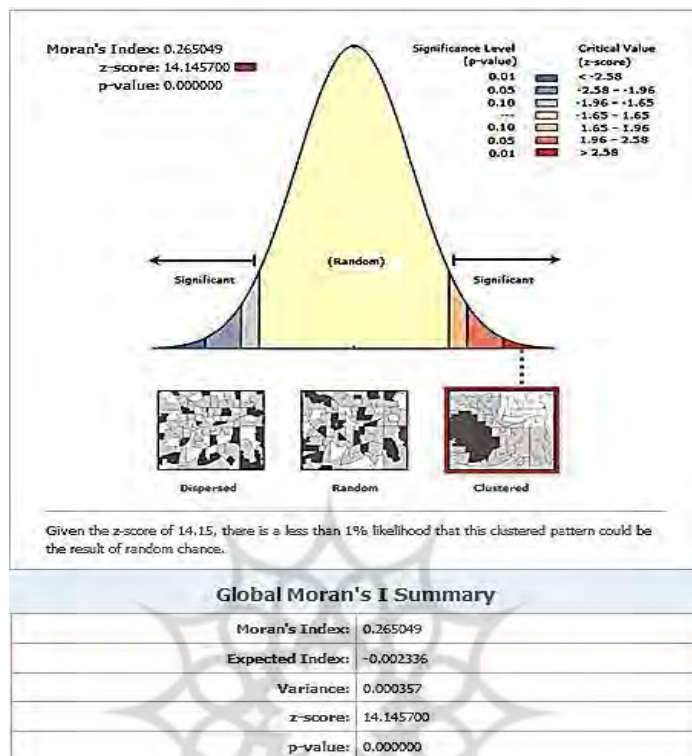




شکل ۶: پراکندگی میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های مرزی، ۹۵-۱۳۹۰

Figure 6: Dispersion of emigration rate in border cities, 2011-2016

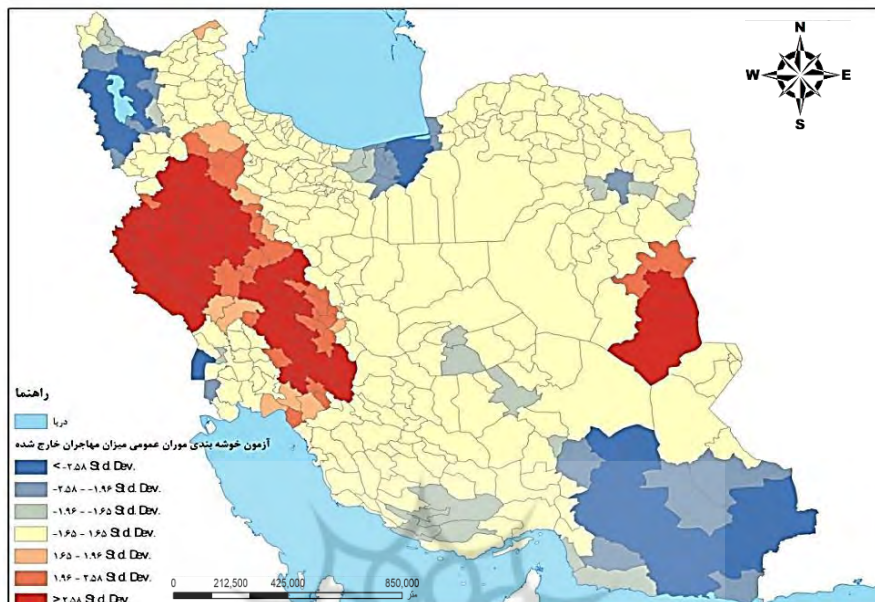
همان‌طور که از نتایج حاصل از آزمون خودهمبستگی سراسری پیداست (شکل ۲) شاخص موران ۰,۲۶ و میزان معناداری آن ۰,۰۰۱ و میزان Z آن برابر با ۱۴,۱۵ است. یافته‌ها نشان از آن دارد که با سطح اطمینان ۹۹ درصد میزان خام مهاجرپذیری شهرستان‌های ایران دارای ساختار فضایی بوده و به شکل خوشه‌ای توزیع شده‌اند. تجمع فضایی نقطه‌های داغ (بالاترین دافعه مهاجرتی) متعلق به شهرستان‌های مرزنشین استان‌های کرمانشاه، ایلام و خراسان جنوبی است. برخی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، شرق استان مازندران و سیستان و بلوچستان تجمع فضایی لکه‌های سرد (پایین‌ترین مهاجرفرستی) متعلق به آن‌هاست (شکل ۶). البته این در استان سیستان و بلوچستان به معنی دافعه پایین جامعه مبدأ نبوده و تا حد زیادی مرتبط به مسأله اشباع مهاجرت در این شهرستان‌ها و بعد مسافت طولانی این استان با مناطق مرکزی کشور می‌باشد.



شکل ۷: خود همبستگی سراسری الگوی میزان مهاجرفرستی در سطح شهرستان‌های کشور در دوره ۹۵-۱۳۹۰

Figure 7: Global Moran's index of emigration rate in Iran's cities, 2011-2016

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

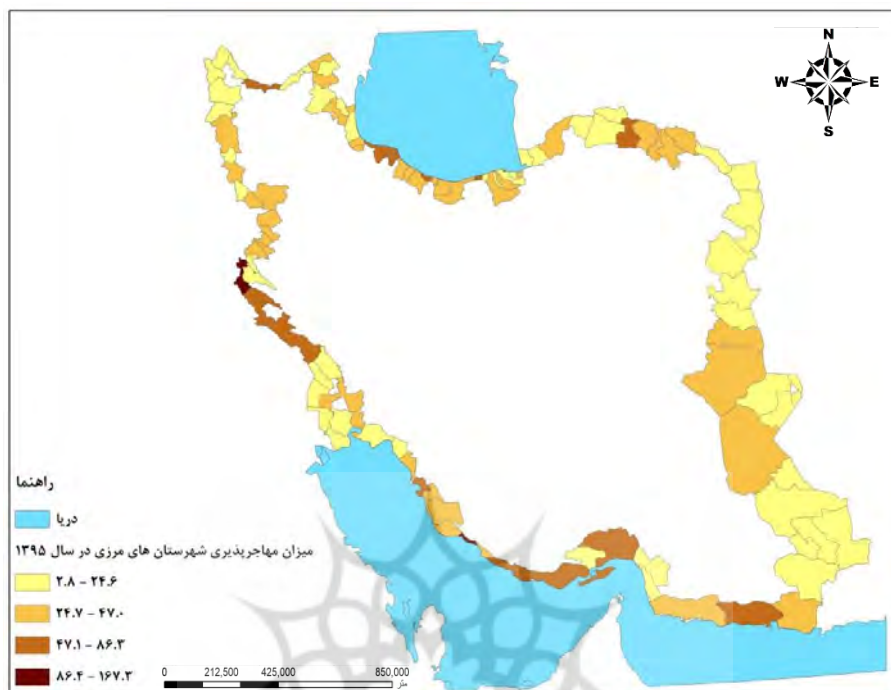


شکل ۸: الگوی فضائی میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های کشور بر اساس متد نقطه‌های داغ (95-1390.Hot Spot)

**Figure 8: Spatial model of the emigration rate of the Iran's cities based on the hotspot method, 2011-2016**

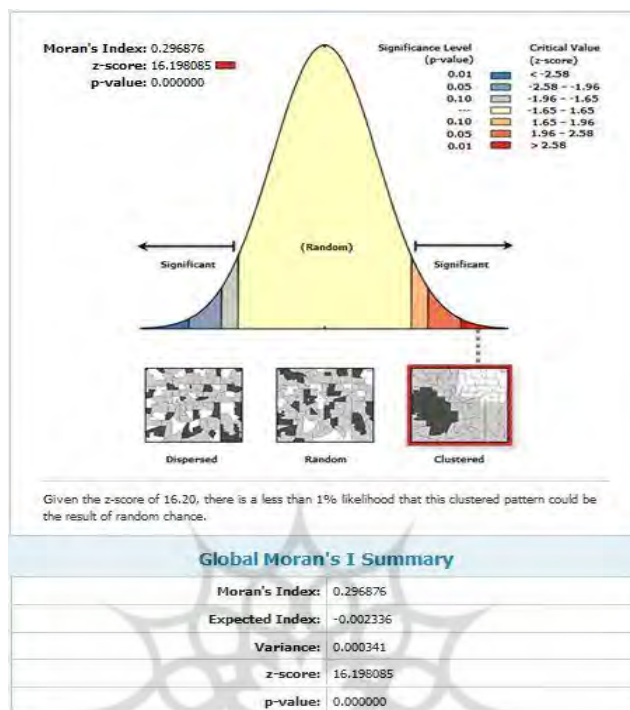
#### مقایسه میزان مهاجرپذیری در بین شهرستان‌های مرزی

همان‌طور که در شکل ۸ مشاهده می‌شود شهرستان‌های مرزی شادگان، سرپاز، قصرقند، سیب و سوران، دشت آزادگان، هیرمند، مهرستان، سراوان و هویزه کمترین میزان مهاجرپذیری را دارند. این شهرستان‌ها از نظر جاذبه مهاجرتی در پایین‌ترین سطح قرار دارند. عمده‌ی شهرستان‌های مرزنشین در این دسته‌بندی مهاجرپذیری کمتری دارند. در مقابل شهرستان‌های قصرشیرین، کنگان، ابوموسی، بندرلنگه، رشت، بندرانزلی، کنارک، بندرعباس و بوشهر به دلیل جاذبه‌های مهاجرتی توانسته‌اند بیشترین میزان مهاجرپذیری را داشته باشند. این شهرستان‌ها یا مرکز استان بوده و از نظر مهاجرپذیری ظرفیت پذیرش مهاجر را داشته یا جز شهرستان‌هایی خاصی می‌باشند (ابوموسی، کنگان، بندرلنگه و کنارک) که با توسعه برونزا و در جهت توسعه میادین نفتی، گازی، پتروشیمی و توسعه سواحل مکران مورد توجه قرار گرفته‌اند.



شکل ۹: میزان مهاجری پذیری شهرستان های مرزی، ۹۵-۱۳۹۰  
**Figure 9: Immigration rate of border cities, 2011-2016**

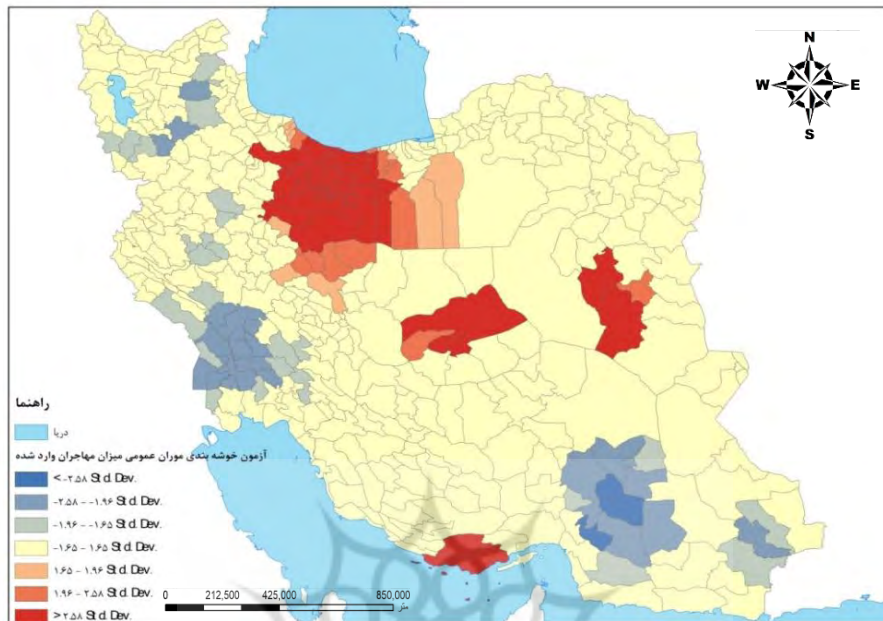
همان طور که از نتایج حاصل از آزمون خودهمبستگی سراسری پیداست (شکل ۳) شاخص موران ۰,۲۹ و میزان معناداری آن ۰,۰۰۱ و میزان Z آن برابر با ۱۶,۱۹ است. یافته ها نشان از آن دارد که با سطح اطمینان ۹۹ درصد میزان خام مهاجری پذیری شهرستان های ایران دارای ساختار فضایی بوده و به شکل خوشه ای توزیع شده اند. به این معنا که میزان لکه های داغ (بالاترین جاذبه مهاجرتی) متعلق به شهرستان های استان های تهران، قزوین، اصفهان و هرمزگان است و از طرف دیگر تجمع فضایی لکه های سرد (پایین ترین جاذبه مهاجرتی) متعلق شهرستان های غرب و شمال غرب و جنوب شرق کشور یعنی در استان های سیستان و بلوچستان، کرمان و آذربایجان غربی، خوزستان است (شکل ۸).



شکل ۱۰: خود همبستگی سراسری الگوی میزان خام مهاجری در سطح شهرستان‌های کشور در دوره ۹۵-۱۳۹۰

Figure 10: Global Moran's index of Immigration rate in Iran's cities, 2011-2016

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



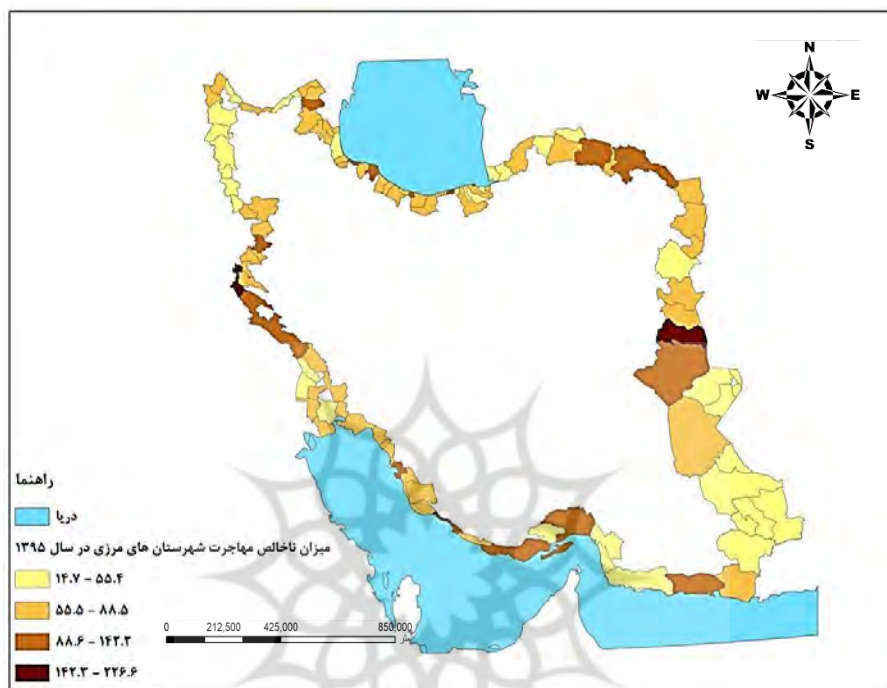
شکل ۱۱: الگوی فضائی میزان مهاجرپذیری شهرستان‌های کشور بر اساس متد نقطه‌های داغ (Hot Spot) (95-1390)

**Figure 11: Spatial model of the Immigration rate of the Iran's cities based on the hotspot method, 2011-2016**

#### مقایسه میزان ناخالص مهاجرت در بین شهرستان‌های مرزی

آنچنان‌که پیش‌ازین اشاره شد میزان ناخالص مهاجرت از مجموع تعداد مهاجرفرستاده شده و وارد شده بر روی جمعیت میانه‌سال سرشماری به دست می‌آید. این شاخص به‌نوعی حجم تحرکات جمعیتی را در بین شهرستان‌های مرزنشین نشان می‌دهد. شهرستان‌های ابوموسی، قصرشیرین، سربیشه، کنگان، زابل و بوشهر بیشترین حجم تحرکات جمعیتی را در میان شهرستان‌های مرزنشین در سرشماری ۱۳۹۵ تجربه کرده‌اند. از سوی دیگر شهرستان‌های هامون، نیمروز، هیرمند، سرباز، مهرستان، سیب و سوران و قصرقند که همگی جزء استان سیستان و بلوچستان هستند از جمله مهم‌ترین شهرستان‌هایی هستند که حجم تحرکات جمعیتی در آن‌ها بسیار پایین است. از سویی جاذبه‌های مهاجرت در این شهرستان‌ها برای مهاجرت به آن بسیار کم است و از سوی دیگر جمعیت این شهرستان‌ها

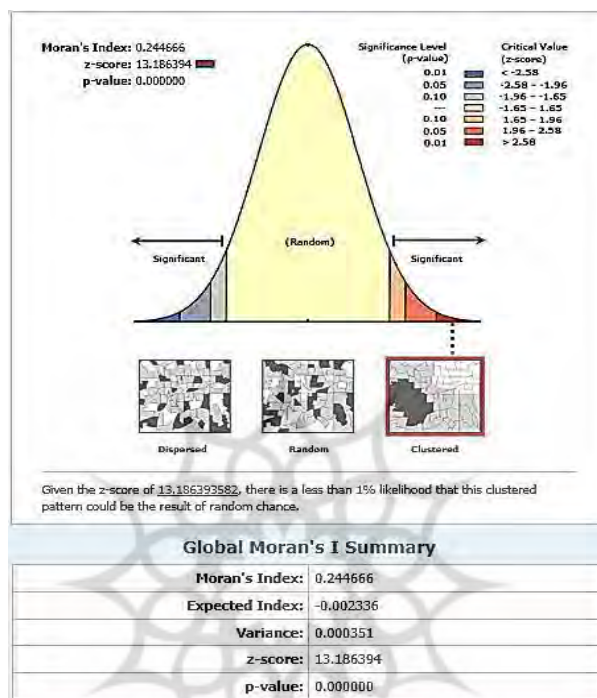
مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه‌یافتگی بر آن ۱۳۱  
 به دلیل بعد مسافت اقدام کمتری به مهاجرت به سایر شهرستان‌ها و استان‌های دیگر  
 می‌کنند (شکل ۱۲).



شکل ۱۲: میزان ناخالص مهاجرت شهرستان‌های مرزی، ۹۵-۱۳۹۰  
**Figure 12: Gross Migration rate of border cities, 2011-2016**

همان‌طور که از نتایج آزمون خودهمبستگی سراسری پیداست (شکل ۱۲) شاخص موران ۰,۲۴ و میزان معناداری آن ۰,۰۰۰۱ و میزان Z آن برابر با ۱۳,۱۸ است. یافته‌ها نشان از آن دارد که با سطح اطمینان ۹۹ درصد میزان ناخالص مهاجرت شهرستان‌های ایران دارای ساختار فضایی بوده و به شکل خوشه‌ای توزیع شده‌اند. به این معنا که میزان ناخالص مهاجرتی تمایل به متمرکز شدن یا خوشه شدن در فضا دارد به طوری که تجمع فضایی لکه‌های داغ (تحركات جمعیتی بیشتر) متعلق به شهرستان‌های استان‌های مرکزی تهران، قزوین برخی از شهرستان‌های مازندران، البرز، سمنان، زنجان، مرکزی، کرمانشاه و ایلام، خراسان جنوبی و هرمزگان است؛ و از طرف دیگر تجمع فضایی لکه‌های سرد (تحركات

جمعیتی پایین) متعلق به برخی شهرستان‌های مرزنشین استان‌های آذربایجان غربی، خوزستان و شرق دریای مازندران است (نقشه ۹).

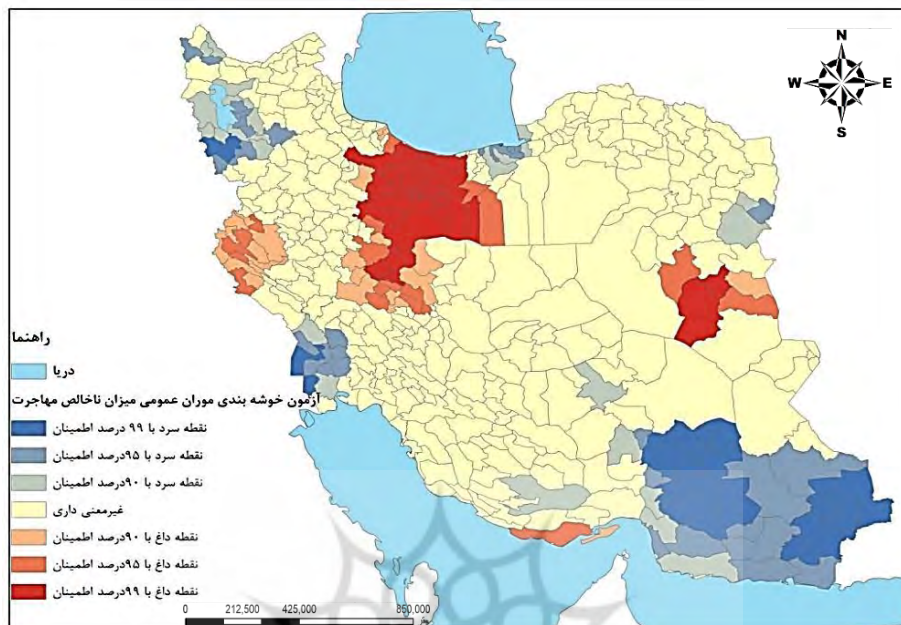


شکل ۱۳: خود همبستگی سراسری الگوی میزان ناخالص مهاجرتی در سطح شهرستان‌های

کشور، ۹۵-۱۳۹۰

Figure 13: Global Moran's index of Gross Migration rate in Iran's cities, 2011-2016





شکل ۱۴: الگوی فضائی میزان ناخالص مهاجرت شهرستان‌های کشور بر اساس متد نقطه‌های داغ (Hot Spot 95-1390)

Figure 14: Spatial model of the Gross Migration rate of the Iran's cities based on the hotspot method, 2011-2016

#### یافته‌های استنباطی تحقیق

در این قسمت داده‌ها در دو سطح تجزیه و تحلیل دو متغیره و چند متغیره مورد بررسی قرار می‌گیرند. در سطح دو متغیره، ما به دنبال بررسی معناداری روابط میان متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته و همین‌طور رابطه هر یک از ابعاد متغیر وابسته با یکدیگر هستیم. برای بررسی چگونگی روابط دو متغیره و همچنین اثبات معنادار بودن یا معنادار نبودن روابط میان آن‌ها، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. در سطح چند متغیره برای تجزیه و تحلیل روابط میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته و اثبات معنادار بودن یا معنادار نبودن روابط میان آن‌ها و تعیین میزان وابستگی آن‌ها به یکدیگر، از روش رگرسیون دو متغیره استفاده شده است.

پس از آن که داده‌های مربوط به سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مرزی آماده و میزان توسعه‌یافتگی آن‌ها از طریق تکنیک تاپسیس محاسبه شد، داده‌های مربوط به

مهاجرت شهرستان‌ها نیز محاسبه و برای سنجش ارتباط این متغیرها از آزمون همبستگی استفاده شد که نتایج آن در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون

Table 2: Pearson correlation test results

میزان توسعه- یافتگی	میزان ناخالص مهاجرت	میزان خالص مهاجرت	میزان مهاجرفرستی	میزان مهاجرپذیری		
0.430**	0.887**	0.806**	0.267**	1	Pearson Correlation	میزان مهاجرپذیری
0.000	0.000	0.000	0.03		Sig. (2-tailed)	
118	118	118	118	118	N	
0.237-	0.682**	0.355-**	1	0.267**	Pearson Correlation	میزان مهاجرفرستی
0.000	0.000	0.000		0.003	Sig. (2-tailed)	
118	118	118	118	118	N	
0.440**	0.442**	1	0.335-**	0.806**	Pearson Correlation	میزان خالص مهاجرت
0.000	0.000		0.000	0.000	Sig. (2-tailed)	
118	118	118	118	118	N	
0.308**	1	0.443**	0.682**	0.877**	Pearson Correlation	میزان ناخالص مهاجرت
0.001		0.000	0.000	0.000	Sig. (2-tailed)	
118	118	118	118	118	N	
1	0.308**	0.440**	0.237-	0.430**	Pearson Correlation	میزان توسعه‌یافتگی
	0.000	0.000	0.005	0.000	Sig. (2-tailed)	
118	118	118	118	118	N	

\*\* . Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، میزان توسعه‌یافتگی با میزان مهاجرپذیری، میزان خالص مهاجرت و میزان ناخالص مهاجرت رابطه مثبت و معنادار دارد، به این معنی که هرچه توسعه‌یافتگی در شهرستان‌های مرزی بالاتر باشد، میزان مهاجرپذیری و میزان خالص مهاجرت و میزان ناخالص مهاجرت نیز بالاتر بوده است. در مقابل میزان

مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه‌یافتگی بر آن ۱۳۵  
توسعه‌یافتگی با میزان مهاجرفرستی رابطه معکوس و معنادار داشته است. به این معنی که هرچه میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مرزی بالاتر باشد، میزان مهاجرفرستی آن‌ها نیز کمتر بوده است.

به دلیل ارتباط تنگاتنگ توسعه‌یافتگی و مهاجرت و تأکید پژوهش‌های پیشین بر تأثیرگذاری میزان توسعه‌یافتگی بر تحرکات جمعیتی و مهاجرت از آزمون رگرسیون دو متغیره استفاده شده تا میزان تأثیرگذاری توسعه‌یافتگی بر شاخص‌های مهاجرتی شهرستان‌های مرزی مشخص شود.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون دو متغیره تأثیر توسعه‌یافتگی بر شاخص‌های مهاجرت در

شهرستان‌های مرزی

**Table 3: Bivariate Regression Analysis of the Impact of Development on Migration Indicators in Border Cities**

فرضیه	متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	همبستگی $R$	وارianس تبیین شده $R^2$	آماره F	سطح معناداری F	B استاندارد	آماره T	سطح معنی‌داری T
۱	توسعه‌یافتگی	میزان مهاجر پذیری	0.430	0.185	26.293	0.000	0.430	5.128	0.000
۲	توسعه‌یافتگی	میزان مهاجرفرستی	-0.237	0.056	14.162	0.007	-0.237	-3.402	0.007
۳	توسعه‌یافتگی	میزان خالص مهاجرت	0.440	0.193	27.810	0.000	0.440	5.726	0.000
۴	توسعه‌یافتگی	میزان ناخالص مهاجرت	0.308	0.095	12.174	0.001	0.308	3.49	0.001

به عبارت دیگر، نتایج حاصل از جدول ۳ نشان می‌دهد که در سطح معناداری یک درصد و با ۹۹ درصد اطمینان، هرچه سطح توسعه‌یافتگی یک شهرستان بالاتر باشد، میزان مهاجرپذیری آن نیز بیشتر است. به ازای هر یک واحد افزایش در میزان توسعه‌یافتگی شهرستان، ۰٫۴۳۰ واحد به میزان مهاجرپذیری شهرستان افزایش می‌یابد بنابراین می‌توان گفت که توسعه‌یافتگی نقشی مستقیم بر میزان مهاجرپذیری شهرستان‌های مرزی دارد. همچنین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان اذعان داشت که متغیر توسعه‌یافتگی در نمونه مورد

بررسی حدود ۱۹ درصد میزان مهاجرپذیری را در بین شهرستان‌ها مورد مطالعه تبیین می‌کند و این تأثیر افزایشی و معنادار است. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که هرچه سطح توسعه‌یافتگی یک شهرستان بالاتر باشد، میزان مهاجرفرستی آن پایین‌تر است. به ازای هر یک واحد افزایش در میزان توسعه‌یافتگی شهرستان،  $0,237$  - واحد از میزان مهاجرفرستی شهرستان‌ها کاسته می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که توسعه‌یافتگی تأثیری معکوس بر میزان مهاجرفرستی شهرستان‌های مرزی دارد.

در زمینه ارتباط میان توسعه‌یافتگی و خالص مهاجرت باید گفت که بیش از ۱۹ درصد از تغییرات متغیر خالص مهاجرت توسط توسعه‌یافتگی تبیین می‌شود. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که هرچه سطح توسعه‌یافتگی یک شهرستان بالاتر باشد، میزان خالص مهاجرت آن نیز بیشتر است و اکثر شهرستان‌هایی که میزان‌های بالاتری از سطح توسعه‌یافتگی را داشته‌اند، خالص مهاجرتی مثبتی داشته و مهاجرپذیر محسوب می‌شوند.

یافته‌های تحقیق گواه این واقعیت است که با افزایش سطح توسعه‌یافتگی تحرکات جمعیتی (ناخالص مهاجرت) روندی افزایشی خواهد داشت. با ۹۹ درصد اطمینان، هرچه سطح توسعه‌یافتگی یک شهرستان بالاتر باشد، میزان ناخالص مهاجرت آن نیز بیشتر است. به ازای هر یک واحد افزایش در میزان توسعه‌یافتگی شهرستان،  $0,308$  واحد به میزان ناخالص مهاجرت شهرستان افزایش می‌یابد. در نتیجه می‌توان گفت که توسعه‌یافتگی نقشی مستقیم بر میزان ناخالص مهاجرت شهرستان‌های مرزی دارد.

### نتایج آزمون تحلیل خوشه‌ای

در این پژوهش نیز علاوه بر تحلیل فضایی و استنباطی یافته‌های پژوهش از تکنیک خوشه‌بندی برای دسته‌بندی شهرستان‌های مرزنشین کشور در زمینه مهاجرت و توسعه‌یافتگی استفاده شده است. این خوشه‌بندی‌ها در قالب ماتریس‌های چهاروجهی (دو متغیره) آورده شده است. هدف آزمون خوشه‌بندی صرفاً دسته‌بندی عناصر است و ارتباط بین متغیرها و چرایی آن‌ها و از سوی دیگر با اثبات روابط بین متغیرهای این پژوهش در بخش آزمون همبستگی تأیید شده است. این ماتریس‌های دومتغیره برای بررسی اشتراکات خوشه‌بندی‌های مجزای ابعاد توسعه و مهاجرپذیری و خالص مهاجرت است. در ابتدا نتایج آزمون خوشه‌بندی به روش  $k$ -samples برای هر متغیر به صورت جداگانه آورده می‌شود و در ادامه با تلفیق نتایج آزمون‌های خوشه‌بندی ابعاد مختلف توسعه و مهاجرت در قالب ماتریس‌هایی آورده می‌شود. در ماتریس‌های دومتغیره هر کدام از محور عمودی ابعاد توسعه

مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه یافتگی بر آن ۱۳۷  
و محور افقی مهاجرت است که هر کدام از محورها چهارگانه درجه‌بندی شده است و برحسب  
نتایج خوشه‌بندی مجزا، با هم ترکیب شده‌اند؛ به این ترتیب که شهرستان‌هایی که دارای  
وضعیت مشترک در دو خوشه‌بندی مجزا هستند، به عنوان مثال دارای وضعیت بالاترین در  
هر خوشه‌بندی توسعه یافتگی و مهاجرپذیری در چارک اول قرار می‌گیرند.  
نتایج آزمون خوشه‌بندی دومتغیره توسعه یافتگی و مهاجرپذیری

ماتریس ۱: آزمون خوشه‌ای ماتریس دوجوهی متغیرهای توسعه یافتگی و مهاجرپذیری

**Matrix 1: Cluster analysis of the two-dimensional matrix of variables of development and immigration**

		توسعه یافتگی			
	جوینار	ماهشهر زاهدان آبادان تنکابن خرمشهر گنبد کاووس نور فریدون کنار چابهار بهشهر	2	ابوموسی بجنورد ایلام بابلسر لنگرود قشم	چالوس رودسر جلفا عباس‌آباد نوشهر اردبیل محمودآباد
مهاجرت پذیری		ارومیه ساری اهواز	1	بوشهر بندرعباس بندر انزلی رشت لاهیجان	رامسر
	4	3		1	2
	سردشت سیریک شادگان هویزه	قوچان درگز نهبندان پاره شیروان سرخس کلات گرمی پارس‌آباد گیلان غرب پیله سوار مشکین شهر سرپل ذهاب سفز شوش ترکمن ماسال بندرگز دیر رضوانشهر ماکو دشتی جوانرود گناوه نمین تربت جام تنگستان مانه و سملقان دیلم بانه هندیجان سلماس نکا جاسک خدافرین میناب گلوگاه خوی خاف خمیر طولش اشنویه میانرود	3	کنگان پارسیان بندرلنگه مهران قصر شیرین	زابل دهلران مریوان
	قصرقند سیب و سوران مهرستان سرباز هیرمند هامون دشت آزادگان میرجاوه سراوان گمیشان مراوه تپه رازوجرگلان چالدران	فاروج ثلاث باباجانی درمیان تایباد زیرکوه پلدشت پیرانشهر خاش زهک آقی قلا نیمروز	4	کنارک	سربیشه

بر اساس ماتریس دووجهی متغیرهای توسعه‌یافتگی و مهاجرت‌پذیری شهرستان‌های مرزنشین با سطوح توسعه‌یافتگی بالاتر و عمدتاً مراکز استان بیشترین مهاجرت‌پذیری را تجربه می‌کنند. شهرستان‌هایی مرزنشین بوشهر، بندرعباس، بندرانزلی، رشت و لاهیجان با سطح توسعه‌یافتگی خوشه اول از نظر مهاجرت‌پذیری نیز در خوشه اول جای می‌گیرند. از سویی دیگر شهرستان‌هایی قصرقند، سیب و سوران، مهرستان و سرباز با کمترین سطح از توسعه‌یافتگی کم‌ترین مهاجرت‌پذیری در میان شهرستان‌های مرزنشین را دارا می‌باشند. در این میان شهرستان‌هایی خاصی وجود دارند که علی‌رغم سطح توسعه‌یافتگی ۳ و ۴ در خوشه اول مهاجرت‌پذیری قرار دارند. شهرستان‌های کنارک، کنگان، پارسیان، بندرلنگه از جمله این شهرستان‌ها هستند که به‌واسطه توسعه برونزا و استقرار تجهیزات نفتی و پتروشیمی جاذبه‌هایی را برای مهاجرت به این شهرستان‌ها ایجاد کرده است.

نکته قابل‌توجه در مورد شهرستان‌های مهران و قصرشیرین این است که علی‌رغم توسعه‌یافتگی سطح سوم در زمینه مهاجرت‌پذیری یکی از شهرستان‌های مهاجرت‌پذیر محسوب می‌شود. در سالیان اخیر با افزایش زائرین اربعین و افزایش گردشگران مذهبی و عبور زائرین از مرزهای مهران و خسروی زمینه مهاجرت‌پذیری این شهرستان‌ها برای ارائه خدمات به زائرین فراهم شده است. همچنین به دلیل نظامی بودن این شهرستان‌ها و تحرکات جمعیتی افراد نظامی و پایانه بودن مرزی در چارک مهاجرت‌پذیری اول قرار دارند.

شهرستان‌های ساری، ارومیه و اهواز علی‌رغم اینکه در خوشه اول توسعه‌یافتگی قرار دارند اما از نظر مهاجرت‌پذیری در خوشه سوم واقع شده‌اند. در توجیه این مسأله باید عنوان داشت که اهواز، ساری و ارومیه از نظر مهاجرت‌پذیری به یک مرحله اشباع رسیده و در سال‌های پیش از سرشماری ۱۳۹۵ جمعیت زیادی را در خود پذیرفته‌اند. به نظر می‌رسد حضور مهاجران بسیار در این شهرستان‌ها از جاذبه‌های آن‌ها برای پذیرفتن مهاجر کاسته است.

### نتایج آزمون خوشه‌بندی دو متغیره توسعه‌یافتگی و خالص مهاجرت

ماتریس تلفیقی خوشه‌های توسعه‌یافتگی و خالص مهاجرت ماتریس مناسبی جهت تحلیل می‌تواند باشد. همان‌طور که پیش‌از این اشاره شد خالص مهاجرت از تفاضل مهاجرت‌پذیری و مهاجرت‌فرستی محاسبه می‌شود. آزمون خوشه‌ای ماتریس دووجهی متغیرهای توسعه‌یافتگی و خالص مهاجرت نیز نشانگر تجمع استان‌ها در یک چهارم پایانی ماتریس می‌باشد. این بدان معناست که عمدتاً شهرستان‌های مرزنشین که مهاجرت‌فرست هم هستند از نظر توسعه-

مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه یافتگی بر آن ۱۳۹۹  
 یافتگی نیز در خوشه‌های سوم و چهارم (پایین‌ترین سطح توسعه) قرار دارند. در این میان  
 ابوموسی، کنگان، بندرلنگه و کنارک به دلیل توسعه برونزا و استقرار تجهیزات نفتی و  
 پتروشیمی و توسعه سواحل مکران دارای جاذبه برای جذب جمعیت هستند.

ماتریس ۲: آزمون خوشه‌ای ماتریس دو وجهی متغیرهای توسعه یافتگی و خالص مهاجرت

**Matrix 2: Cluster analysis of the two-dimensional matrix of development and net migration**

		توسعه یافتگی			
		عسلویه بجنورد چالوس رودسر آبادان بندراماهشهر خرمشهر آستارا گنبدکاوس بهشهر جویبار	2	ابوموسی	ایلام بایلسر لنگرود آستانه اشرفیه قشم جلفا عباس‌آباد نوشهر اردبیل تنکابن محمودآباد نور فریدون‌کنار چابهار
خالص مهاجرت		رامسر اهواز	1		بوشهر بند عباس بندر انزلی لاهیجان ارومیه ساری رشت
	4	3		1	2
	زابل گرمی کلات	دهلران درگز قوچان نهبندان پاره شیروان سرخس پارس آباد گیلانغرب پيله سوار مشکين شهر سرپل ذهاب سقز شوش ترکمن ماسال بندرگز رضوانشهر ماکو گناوه نمین تربت جام مانه و سملقان هندیجان سلماس خداقرین میناب گلگاه خوی خمیر سردشت طولش اشنویه میاندرود سیریک شادگان هویزه	3	کنگان بندر لنگه	مهران پارسیان مریوان دیر جوانرود تنگستان بانه نکا جاسک
	سربیشه سروآباد	فاروج ثلاث باباجانی درمیان تایباد زیرکوه چالدران پلدشت خاش زاروجرگلان مراوه تپه زهک آق قلا گمیشان سراوان میرجاوه هیرمند سرباز مهرستان سیب و سوران قصرقند	4	کنارک	پیرانشهر هامون نیمروز

### بحث و نتیجه‌گیری

همواره یکی از واکنش‌های انسان به نابرابری، تغییر محل زندگی یا مهاجرت بوده است. توسعه‌یافتگی به صورتی نامتوازن بین شهرستان‌ها ایران توزیع شده است و در برخی از شهرستان‌های مرزی ایران شاهد نابرابری شدیدتری هستیم. از سوی دیگر در زمینه شاخص‌های مهاجرتی شهرستان‌های مرزی نیز داده‌هایی مشاهده شد که بررسی تحرکات جمعیتی شهرستان‌های مرزی در ارتباط سطح توسعه‌یافتگی این شهرستان‌ها نیازمند تحقیق و پژوهش بود.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین سطح توسعه‌یافتگی با میزان مهاجرپذیری و میزان خالص مهاجرت و میزان ناخالص مهاجرت رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد و توسعه‌یافتگی سبب ایجاد جاذبه برای شهرستان‌ها شده و مهاجران را جذب این شهرستان‌ها می‌کند. در مقابل، بین میزان توسعه‌یافتگی و میزان مهاجرفرستی رابطه منفی و معنی‌داری مشاهده شد. نتایج این بخش از یافته‌های پژوهش را باید با پژوهش‌های پیشین (Varesi & Sarvari, 2005, Shafiei, 2011, Gasemi et al., 2017, Sirkeci et al., 2012, Keijzer et al., 2016) دارای اشتراکاتی دانست.

با نگاهی دقیق‌تر به الگوی خوشه‌ای شهرستان‌های مرزی می‌توان دسته‌بندی ملموس و مشخصی از آن‌ها ارائه کرد؛ به بیان ساده‌تر با وجود مشاهده رابطه همبستگی و رگرسیون مثبت بین توسعه‌یافتگی و مهاجرت، نمی‌توان یک نسخه مشابه را برای همه شهرستان‌های مرزی تجویز کرد. از این جهت دسته‌بندی‌های مشخص‌تری از الگوهای مهاجرت در شهرستان‌ها استخراج شد.

اکثر شهرستان‌های مرزی، مهاجرفرست بوده و درصد معدودی از آن‌ها مهاجرپذیر بوده‌اند. از بین تعداد قلیل شهرستان‌های مهاجرپذیر می‌توان به شهرستان‌های بزرگ و مرکز استان (مانند رشت، بندرعباس، بوشهر و ارومیه...) اشاره کرد که در کنار مهاجرپذیر بودن دارای سطح قابل‌توجهی از توسعه‌یافتگی نیز هستند. علاوه بر این دسته از شهرستان‌ها، شهرستان‌های مرزنشین کنگان، ابوموسی، بندرلنگه و کنارک به دلیل توسعه برون‌زا موردتوجه مهاجران قرار گرفته و میزان مهاجرپذیری بالاتری نسبت به سایر شهرستان‌ها دارند. دلایل نظامی، صنعتی، پتروشیمی و توسعه سواحل مکران مهم‌ترین علت مهاجرت به این مناطق است.

یکی دیگر از الگوهای شهرستان‌های مهاجرپذیر مرزی (زابل، سریشه، مریوان، دهلران)، شهرستان‌هایی است که با وجود توسعه‌یافتگی پایین، مهاجرپذیر هستند، این الگو



مطالعه وضعیت مهاجرت در شهرستان‌های مرزنشین ایران و اثرات سطح توسعه یافتگی بر آن ۱۴۱

مربوط به عواملی چون قطب‌های محرومیت و تمرکز شهرستان‌های دارای دافعه مهاجرتی بالا در اطراف این شهرستان‌هاست که به دلیل مسافت کوتاه و مشابهت‌های فرهنگی و فعالیتی و ... به‌عنوان مقصد دائم و یا موقت مهاجران برگزیده شده‌اند.

همچنین برخی از شهرستان‌ها به دلیل منابع زیرزمینی مانند نفت و یا بازارچه‌های مرزی (بانہ، جوانرود، جلفا) توانسته‌اند جاذبه‌هایی را برای مهاجرپذیری ایجاد کنند. شهرستان‌های مهران و قصرشیرین را باید از این نوع دانست. این شهرستان‌ها علی‌رغم توسعه یافتنی سطح سوم در زمینه مهاجرپذیری یکی از شهرستان‌های مهاجرپذیر محسوب می‌شود. با توجه به استقرار پایانه‌های مرزی، افزایش زائرین اربعین در سالیان اخیر و شکل‌گیری فعالیت‌های مرتبط با خدمات گردشگری و نیز استقرار پادگان‌ها و مکان‌های نظامی در این شهرستان‌ها، شاهد تحرکات جمعیتی بالایی در شهرستان‌های مذکور هستیم. نکته قابل اشاره درباره برخی از شهرستان‌های مرزی توسعه نیافته و محروم، میزان‌های پایین مهاجرفرستی است؛ این شهرستان‌ها (هامون، نیمروز، هیرمن، سرباز، مهرستان، سیب و سوران، قصرقند) بیشتر در استان سیستان و بلوچستان و شرق کشور قرار گرفته‌اند. بررسی آمارهای سرشماری‌های قبلی و همچنین در نظر گرفتن تراکم جمعیتی این شهرستان‌ها نشانگر اشباع مهاجرفرستی در این‌گونه شهرستان‌ها است. به بیان ساده‌تر در طول زمان این شهرستان‌ها به‌صورت مداوم مهاجر از دست داده‌اند، به‌گونه‌ای که در سال‌های اخیر دیگر توان و پتانسیلی برای خروج مهاجرت نداشته و اشباع شده‌اند. همچنین به دلیل بعد مسافت طولانی با مراکز صنعتی و توسعه یافته، تمایل کمتری به مهاجرت دارند.

یکی دیگر از مسائلی که باید مدنظر قرار بگیرد، توجه به شهرستان‌های مرزی مهاجرپذیر است. این شهرها را می‌توان از دو منظر موردتوجه قرارداد؛ می‌توان با نگاهی مثبت این شهرها را به‌عنوان پتانسیلی برای جذب مهاجران اطراف دانست که مجبور به طی کردن مسافت‌های طولانی نیستند و به همین دلیل ارتباط خود را با مبدأ قطع نمی‌کنند. همچنین به دلیل شباهت‌های فرهنگی و سبک زندگی و ... امکان ادغام مهاجران بیشتر و ابعاد و پیامدهای ناسازگاری مهاجران کاهش می‌یابد. از سوی دیگر در صورت شکست مهاجرت، احتمال بازگشت به مبدأ بیشتر است. مجموعه شرایط مذکور این شهرستان‌ها را با دید مثبت نگریده و آن را عاملی در جهت بازتوزیع متوازن جمعیت دانست. چنانچه این روند مهاجرپذیری اندیشیده و برنامه‌ریزی شده نباشد (که به نظر نمی‌رسد برنامه یا اقدامی جامع برای مدیریت مهاجران این شهرستان‌ها صورت گرفته باشد) در بلندمدت می‌تواند آسیب‌هایی را به همراه داشته باشد.

۱۴۲ فصلنامه علوم اجتماعی (علمی)، سال ۲۷، شماره ۸۸، بهار ۱۳۹۹

### تشکر و سپاسگزاری

در پایان این پژوهش لازم می‌دانم از تمامی افرادی که ما را در پیشبرد این تحقیق یاری رساندند به‌ویژه دکتر ستار پروین تشکر و قدردانی نمایم.



## References

- Akbari, N., Zahedi, M., . (2009). *Application of multi-indicator ranking and decision-making methods*. Ministry of Interior. Publications of the Organization of Municipalities and Villages of the country. [In Persian]
- Ardeshiri, M., & Zahed, S., (1996). *Investigation of some of the major economic, cultural and climatic factors of inter-provincial migration in the period 1986-1986*, Shiraz University, [In Persian]
- Broki, A., & Einali, J., (2017). *The Analysis of Factors Affecting the Emigration in Border Villages (Case Study: Border Villages of South Chalderan District)*, Journal of border science and technique, 4: 63-83. [In Persian]
- Bunea, D. (2012). *Modern gravity models of internal migration. The case of Romania*. Theoretical and Applied Economics, 4(4), 127.
- Brueckner, J. K., & Lall, S. V. (2015). *Cities in developing countries: fueled by rural-urban migration, lacking in tenure security, and short of affordable housing*. In Handbook of regional and urban economics (Vol. 5, pp. 1399-1455). Elsevier.
- De Haas, H. (2007). *Turning the tide? Why development will not stop migration*. Development and change, 38(5), 819-841.
- De Haas, H. (2010). *Migration and development: A theoretical perspective*. International migration review, 44(1), 227-264.
- Ghasemi Ardahaee, A., and Mahmoudian, H., and Nowbakht, R. (2017). *An Analysis of the Causes of Internal Migration of the Census of 2006 and 2012*. Quarterly of social studies and research in Iran. 3: 375-390. [In Persian]
- Hataminejad, H., Abobakri, T., . Ahmadi, A., Naebzadeh, F., . (2012). *Measuring the degree of industrial development in the border areas of Iran (Case study: Northwest of the country, southern cities of West Azerbaijan Province)* Journal of Research and Urban Planning, 6: 1-18. [In Persian]
- Jennissen, R. (2007). *Causality chains in the international migration systems approach*. Population research and policy review, 26(4), 411-436.
- Kazempour, Sh. (2004). *principles of demography*. Tehran: national population studies & comprehensive management institute. [In Persian]
- Keijzer, N., Héraud, J., & Frankenhaeuser, M. (2016). *Theory and practice? A comparative analysis of migration and development policies in eleven European countries and the European Commission*. International Migration, 54(2), 69-81.
- Kooshafar, H. & Vasegh, L. (2013). *Effects of Migration on Social Security Border City (Case Study: Sistan and Baluchestan border)*, Journal of DANESH-E-ENTEZAMI, 3: 1-26. [In Persian]
- Lahsaeizadeh, A. (1989). *Migration Theories*. Shiraz: Navid. [In Persian]
- Meshkini, A., Tardast, Z., Karami, A. (2019). *Spatial explanation of development ranking of cities in Ilam border province*, Border Science and Techniques, 1: 1-27. [In Persian]

- Massey, D. S., Arango, J., Hugo G. (1998). *Worlds in motion. Understanding international migration at the End of the Millenium*, Oxford: Clarendon Press.
- Mohammadpour, A. (2010). *Qualitative Research, Method Counter Method, the Logic and Design in Qualitative Methodology*. Tehran: Jameshenasan. [In Persian]
- Moshfeq, M., and Hoseini, Gh. (2016). *A Comparative Study on Policy Experiences Regarding to Balanced Distribution of Urban Population in Selected Asian Countries*. urban and regional development planning. 3: 1-29. [In Persian]
- Norolahi, T., (1998). *Internal migration in iran during the period 1986-1996*, . Population Magazine.23-24. n Persian]
- Panahi, L., Pishroo, H., (2012) *Investigating the factors affecting the migration of rural youth to the city Case study: Villages of the central part of Marvdasht city*, journal of Regional Planning, 2: 11-50. n Persian]
- Papoliyazdi, M., and rajabi, H., (2007) *Theories of the city and suburb*, Teharan: Samt. [In Persian]
- Pinyol-Jimenez, G. (2012). *The migration-security nexus in short: instruments and actions in the European Union*. Amsterdam LF, 4, 36.
- Porumbescu, A. (2012). *East European migration patterns-Romanian emigration*. Revista de Științe olitice. Revue des Sciences olitiques, (35), 268-274.
- Porumbescu, A. (2015). *Defining the new economics of labor migration theory boundaries: a sociological-level analysis of international migration*. Revista de Științe Politice. Revue des Sciences Politiques, (45), 55-64.
- Shafiei kakheki, M. (2011). *Migration; Inequality of income or promotion of quality of life*. Applied Economics. 4: 89-112. [In Persian]
- Sirkeci, I., Cohen, J. H., & Yazgan, P. (2012). *Turkish culture of migration: Flows between Turkey and Germany, socio-economic development and conflict*. Migration Letters, 9(1), 33-46.
- Stark, O. (1991). *The migration of labour*, Cambridge: Basic Blackwell.
- Stark, O., Bloom, E. D. (1985). *The New Economics of Labor Migration*. The American Economic Review, 75 (2): 173-178.
- Taghavi, N. (2008). *Rural-urban migration*. Teharan: Samt. [In Persian]
- Tanha, F., and Goli, M. (2013). *Investigating the Process of Inter-provincial Migration of Iran in the Last Three Decades (Census 1986 -2011)*. Population Magazine.85-86: 77-88. [In Persian]
- United Nations (2009). *Overcoming barriers: Human mobility and development, Human Development Report 2009*. Basingstoke: United Nations Development Program.
- Varesi, H., and Sarvari, Z. (2005). *An Analysis of the Interplay of Development, Migration and Urbanization in Iran*. Journal of Geography and Regional Development. 6: 79-96. [In Persian].